

آذَرَبَايْجَان

ناشر افکار فرقه دموکرات آذربایجان

دوره پنجم شماره ۸۶ دی ۱۳۹۰

شبح جنگ ویرانگر فضای

خاورمیانه را فرا گرفته است

خاورمیانه بویژه منطقه خلیج فارس از مهم ترین مناطق استراتژیک جهان محسوب می شود. ایران بعنوان بزرگترین کشور خاورمیانه از جایگاه ویژه ای برخوردار است. چهل در صد نفت کشورهای صنعتی از این منطقه تامین می شود. به همین دلیل خاورمیانه نه تنها به لحاظ استراتژیک، بلکه به لحاظ منابع طبیعی مخصوصاً نفت نیز از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. زیرا شاه‌رگ حیاتی کشورهای بزرگ صنعتی به منبع انرژی و بازار بزرگ این منطقه وابسته است. به همین دلیل سالهاست این منطقه به جولانگاه کشورهای بزرگ سرمایه داری بویژه آمریکا و اروپا در آمده است. غرب سرمایه داری برای تسلط بر سرنوشت این کشورها، هر گونه حرکت اعتراضی و آزادیخواهانه مردم را با شدت تمام از جمله با جنگ و کودتاهای خونین، سرکوب و حاکمان مرتجع و مستبد را مورد حمایت همه جانبه قرار داده است. ایران از زمره کشورهای است که همیشه مورد مطامع کشورهای غربی بوده است. بخصوص پس از انقلاب اکتبر و تشکیل اتحاد جماهیر شوروی که در همسایگی ایران قرار داشت، اهمیت استراتژیکی ایران برای امپریالیست ها صد چندان شد. کشورهای بزرگ سرمایه داری از جمله امپریالیسم انگلیس و بعدها امپریالیسم آمریکا نه تنها ایران را به خط مقدم مبارزه علیه سوسیالیسم مخصوصاً کشور نو پای اتحاد شوروی تبدیل کرده بودند، بلکه معادن زیر زمینی کشور را به نازلترین قیمت غارت می کردند. حضور بیش از چهل هزار کارشناس سیاسی، نظامی و اقتصادی آمریکا در کشور ما خود گویای همین موضوع است. انقلاب مردمی ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) ضربه بزرگی به منافع امپریالیست وارد کرد. روابط دولت بر آمده از انقلاب با غرب بویژه با آمریکا که متهم اصلی به طراحی و اجرای کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و غارت ثروت کشور در سالهای گذشته بود به تیرگی نهاد. تسخیر سفارت آمریکا در تهران توسط دانشجویان خط امام و افشای بسیاری از اسناد مداخله گرانه توسط دانشجویان و ماجرای طیس و طرح کودتای نوژه باعث گردید که روابط دو کشور به مراتب تیره تر شود. با گذشت سی و دو سال هنوز روابط جمهوری اسلامی و ایالات متحده آمریکا علیرغم فراز و نشیب هایی که داشته است، به حالت عادی بر نگشته است. ادامه در ص ۲

جهان در سالی که گذشت

سال گذشته میلادی یکی از پر ماجراترین سال ها در عصر معاصر بود. سالی پر از اعتراضات اجتماعی و تحولات جهانی از کشورهای عربی گرفته تا مرکز جهان سرمایه داری. در این سال بحران اقتصادی، مالی، سیاسی و اجتماعی در قسمت بزرگی از جهان اوج گرفت. چندین حکومت سرنگون شد. عمده ترین حوادثی که در این سال رخ داد، عبارت از این است که مردم کشورهای رشد یافته سرمایه داری ماهیت سیستم اجتماعی موجود را بیش از پیش درک کردند. این مسئله بسیار پر اهمیت است. زیرا ضرورت تغییر سیستم اجتماعی نه تنها از جانب طبقه پیشرو، طبقه کارگر، بلکه از جانب نود و نه درصد اهالی جامعه سرمایه داری کلاسیک مطرح شد. این بدان معنا است که نظام سرمایه داری پوسیده شده و به پایان راه خود رسیده است. تظاهراتکنندگان در کشور اسپانیا به منظور نشان دادن اعتراضات خود، حرکتی نمادین از خود نشان دادند، که به تدریج

در کشورهای دیگر گسترش پیدا کرد و تحت عنوان "اشغال وال استریت" در نیویورک و دیگر شهرهای بزرگ همچون لندن خود را نشان داد. یکی دیگر از عمیقتر شدن بحران جهان سرمایه داری در سال گذشته عبارت از آن است که سردمداران این کشورها به جای تن دادن به خواسته های مردم راه برون رفت از بحران را ریاضت اقتصادی برای توده های مردم و کمک های صد ها میلیاردی به موسسات و بنگاههای مالی دیدند. بدین ترتیب فشار بحران اقتصادی ناشی از این وضعیت هرچه بیشتر بر دوش اکثریت مطلق اهالی این کشورها افتاد. در آمد خانواده ها کمتر شد.

ادامه در ص ۳

در این شماره

ص ۴	در آذربایجان چه میگذرد!
ص ۶	فرقه دموکرات؛
ص ۹	به مناسبت ۲۱ آذر
ص ۱۲	حیدر بابا سلام
ص ۱۵	فرانسه پشتیبان ارمنستان
ص ۱۶	عارف صفا شعرلر

جمهوری فدرال خواست همه ملل و اقوام ایران است!

شبح جنگ ویرانگر فضای....

ویرانه ای بیش از آن باقی نماند. ممکن است دامنه جنگ گریبان کشورهای منطقه را نیز در برگیرد و به یک جنگ منطقه ای مبدل شود. و یا به تسلیم بدون قید و شرط در مقابل خواسته های آمریکا که در صدد آفایی و سیطره بر جهان بویژه بر منطقه خاورمیانه بزرگ است تبدیل شود که عواقب بهتری نخواهد داشت.

گرچه فضای نا مطلوب جنگ و ویرانگری سالهاست بر زندگی مردم سرار جهان سایه افکنده است. اما فریاد میلیون ها انسان آزادیخواه و صلح طلب در سرار جهان بخصوص در سال گذشته بر علیه سیاست های سلطه گری و ضد انسانی غرب سرمایه داری نوید روزهای خوشی میدهد. حاکمان جمهوری اسلامی به جای رجز خوانی های تو خالی می توانند با تن دادن به خواست توده های مردم و با حمایت افکار عمومی جهان خطر جنگ و ویرانگری را از بین ببرند. تردیدی نیست که مردم غیور ایران همانطور که تاریخ نشان داده است در مقابل سلطه گران سر تسلیم فرود نخواهند آورد.

پس از تکیه زدن احمدی نژاد به کرسی ریاست جمهوری، سیاست داخلی و خارجی کشور سیر قهقراپی طی کرد. اهداف انقلاب که استقلال - آزادی و عدالت اجتماعی بود به شدت مورد هجوم قرار گرفت. آزادی های فردی و اجتماعی با شدت بیشتری مورد تعرض قرار گرفت تا جایی که بسیاری از یاران دیروز حاکمیت از آن بی نصیب نماندند. معترضین چندین میلیونی به انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ به شدت سرکوب، صدها نفر دستگیر و به شدت مورد شکنجه روحی و جسمی قرار گرفتند. اقتصاد ایران در بحرانی ترین وضعیت خود قرار دارد. بسیاری از بنگاههای تولیدی، کشاورزی و خدماتی ورشکست و یا در حال ورشکستی هستند. در صد بیکاری، بی خانمانی، اعتیاد و فحشاء و دیگر ناهنجاری های اجتماعی بشدت رشد کرده است. در یک کلام دو هدف از اهداف انقلاب یعنی آزادی و عدالت اجتماعی براحتی زیر پا گذاشته شده است. از سویی دیگر با اتخاذ سیاست های غلط و ناسنجیده ای که دولت احمدی نژاد در روابط خارجی پیش گرفته است، استقلال کشور را نیز در خطر انداخته است.

سالهای اخیر امپریالیسم جهانی بخصوص آمریکا برای تسلیم جمهوری اسلامی به خواسته های خود، با بهانه قراردادن غنی کردن اورانیوم ایران را تحت فشار های سیاسی و اقتصادی قرار داده است. در ماههای اخیر بر شدت آن افزوده است. دولت جمهوری اسلامی می گوید حاضر نیست تحت فشارها و تحریم های اقتصادی در برابر خواسته های غرب عقب نشینی کند. آمریکا نیز برای به زانو در آوردن ایران از هم پیمانان خود می خواهد تا نفت و بانک مرکزی ایران را تحریم کنند. مسئولین جمهوری اسلامی گفته اند در تحمیل چنین شرایطی تنگه هرمز را به روی نفتکش های غرب خواهند بست. تنگه هرمز گذرگاهی است که نفت کشورهای عربستان سعودی و شیخ نشین های خلیج فارس به خارج صادر می شود. غرب به تهدید ایران شدیداً واکنش نشان داده است. و جمهوری اسلامی نیز برای جدی بودن ادعای خود، مبادرت به مانور نظامی در تنگه هرمز کرد. این روند اگر ادامه پیدا کند، خطر جنگ میان ایران و آمریکا بسیار جدی خواهد بود. وقوع چنین جنگی برای ایران عواقب بسیار ناگوار و ویرانگری خواهد داشت. ایران ممکن است به عراق و یا افغانستان تبدیل شود و

**فرقه دمکرات آذربایجان
پروسه های منطقه ای و
جهانی را مد نظر داشته، با
بیش از نیم قرن تجربه فعالیت
سیاسی و با درس عبرت گرفتن
از مبارزه ناکامی ها و
پیروزیهای گذشته ملی مردم
آذربایجان را جهت داده، فعالیت
خود را در مقیاسی جدید ادامه
می دهد.**

سید جعفر پیشه وری

جهان در سالی که گذشت

این کشورها ادامه دارد. ایران بزرگترین کشور خاورمیانه است. ایران در تاریخ معاصر انقلابات و جنبش های اجتماعی متعددی را تجربه کرده است. از انقلاب مشروطیت گرفته تا یکی از بزرگترین انقلابات جهان، انقلاب بهمن ماه ۱۳۵۷. این نشان میدهد که مردم ایران بطور جد خواهان تغییرات بنیادی در سیاست کشور به سود آزادی و عدالت اجتماعی هستند. بی دلیل نیست که نیروهای ارتجاعی داخلی با همدستی ارتجاع جهانی همواره اعتراضات و جنبش های مردمی ایران را با خشن ترین و خونین ترین شیوه ها سرکوب کرده اند. گروهی که با خیانت به آرمان های انقلاب و سرکوب نیروهای انقلابی و مردم معترض به وضع موجود سکان حکومت را در دست دارند، در سال گذشته، همچنان به سیاست های ویرانگر خود ادامه دادند. ایران در سال گذشته میلادی در عرصه سیاست، یکی از پر تنش ترین سالهای خود را پشت سر گذاشت. سرکوب خشن معترضین و منتقدین به حکومت هرچه بیشتر تشدید شد. این امر تا جایی رسید که نزدیکترین افراد به هرم حاکمیت مانند هاشمی رفسنجانی را هدف قرار داد. زندان های رژیم در سال گذشته پر شدند از افراد و شخصیت هایی که جزء نزدیک ترین افراد به حکومت فعلی بودند. به همین دلیل می توان گفت سال پیش، پایگاه اجتماعی حاکمیت هرچه بیشتر محدود و شمشیر سرکوب بالای سر بسیاری از یاران دیروز حاکمیت قرار گرفت. در عرصه اقتصادی کشور بزرگترین بحران ها را شاهد بود. سیاست های غلط اقتصادی دولت احمدی نژاد و تحریم های جهانی دو عامل اصلی این بحران بودند. جنگ روانی حمله به ایران از جانب غرب و اسرائیل و رجز خوانی های حاکمیت باعث گردید، تا ارزش ریال به کمترین نرخ در طول تاریخ ایران نزول کند. مردم ایران در حالی سال ۲۰۱۱ میلادی را پشت سر گذاشتند که تورم و بیکاری به بالاترین حد خود رسیده بود. به موازات تشدید فشار بر طبقات و اقشار آسیب پذیر جامعه، چماق سرکوب و خفگان نیروهای امنیتی بیشتر بالای سر مردم قرار گرفته است. مردم از هرگونه اظهار نظر در امور مملکتی منع شده اند. کوچکترین اظهار نظر در امور کشور جرم تلقی می شود. حریم خصوصی افراد بخصوص روشنفکران از جانب حکومت کنترل می شود. بدیگر معنی ترس از جنبش اعتراضی مردم و خارج شدن اوضاع از کنترل، خواب از چشم حاکمان ربوده است. مردم جهان و ایران درحالی به استقبال سال ۲۰۱۲ میلادی می روند که سیاست های اقتصادی موجود پاسخگوی نیاز های مردم نیست. مردم دنیا از جمله مردم ایران خواهان جهانی هستند که به جای فقر، بیکاری، بی خانمانی و صدها بلائی اجتماعی دیگر از جمله جنگ و ویرانگری، جهانی باشد که سعادت و خوشبختی انسان ها را مورد نظر قرار دهد. این جهان دور از دسترس نیست. سال ۲۰۱۱ مردم جهان در این راستا گام برداشتند. در سال پیش رو باید منتظر حوادثی مهمتر از سال قبل بود.

حقوق کارمندان و کارگران پائین آمد. نرخ بیکاری بیشتر شد. سال بازنشستگی به بالای شصت سال رسید و حقوق باز نشستگی کمتر شد. در چنین فضایی قیمت مواد غذایی افزایش یافت. بدین ترتیب از تقسیم عادلانه ثروت ملی بشکل آگاهانه جلوگیری شد. بدین وسیله دستاورد کارگران و زحمتکشان که طی سالیان دراز بر اساس مبارزات بدست آورده بودند، پایمال شد. وبه ثروت گروه کوچکی منسوب به یک درصد هرچه بیشتر افزوده شد. ثروتمندان ثرتمندتر و فقرا فقیر تر شدند. گروهی از اقتصاددانان غربی بر این عقیده اند که می توان کسری بودجه های هنگفت فعلی را با افزایش مالیاتی از زحمتکشان جبران کرد. در حالیکه عده ای دیگر چنین سیاستی را نه تنها راه گشا نمی دانند بلکه بشدت آن را مخرب ارزیابی می کنند. زیرا این سیاست منجر به کاهش رشد اقتصادی و شدت بخشیدن به نارضایتی های اجتماعی خواهد شد. جهان سرمایه داری در حالی به استقبال سال ۲۰۱۲ می رود که با بزرگترین چالش در همه دوران خود روبرو است. آمریکا بزرگترین کشور بدهکار جهان با بیش از ۱۵ تریلیون دلار می باشد. که هر ساله بیش از یک تریلیون به آن افزوده می شود. هم اکنون هر شهروند آمریکایی بیش از ۵۰ هزار دلار بدهی دارد. این بدهی در منطقه یورو ۳۵ هزار و در بریتانیا ۳۰ هزار دلار می باشد. در دهه نود با تخریب کشورهای سوسیالیستی از جمله اتحاد شوروی، جهان سرمایه داری نفسی راحت کشیده بود و گمان می کرد برای همیشه از بحران بیرون آمده است. اما تاریخ نشان داد که بحران نظام سرمایه داری پایان پذیر نیست. این بحران ها ناشی از ذات خود سرمایه داری می باشد و تا نابودی کامل آن، همراه او خواهد بود. به همین دلیل در سال پیش رو باید منتظر بحران های عمیقتر و اعتراضات گسترده تر توده های مردم در جهان سرمایه داری بود. بحران سرمایه داری به بخش های دیگر جهان سرایت کرد. در بخشی بزرگی از خاورمیانه و شمال آفریقا جنبش اعتراضی گسترش و منجر به زیر کشیدن برخی از حکام این کشورها شد. در تونس و مصر بن علی و حسنی مبارک مجبور به کناره گیری از حاکمیت شدند. در یمن بن صالح از قدرت استعفا داد. در لیبی نیروهای ناتو به رهبری آمریکا معمر قذافی را به قتل رساندند. در بحرین، سوریه و دیگر کشورهای عربی اعتراضات مردم با مقاومت و سرکوب نیروهای دولتی مواجه شد. بهار عربی نامی که به جنبش اعتراضی و آزادیخواهانه مردم کشورهای عربی داده شده است، هنوز به مقصد نهایی نرسیده است. جامعه سرمایه داری تلاش کرد تا جنبش اعتراضی کشورهای عربی و شمال آفریقا را در چارچوب منافع خود مهار کند. این امر با خواست مردم بخصوص زحمتکشان این کشورها در تضاد قرار دارد. به همین خاطر اعتراضات مردمی بر علیه حاکمان جدید

در آذربایجان چه میگذرد! تشدید دستگیری ها، آزار و محاکمات

از آذربایجان روزی نیست که خبر از بگیر و ببند دانشجویان معترض به وضعیت موجود، طرفداران محیط زیست و فعالان مدنی و حتی هواداران فوتبال بگوش نرسد. دانشگاههای انقلاب و دانشگاههای عمومی شهرهای آذربایجان در محکومیت فرزندان آذربایجانی فعالند. در خیلی مواقع دستگیر شدگان به شکل فله ای و در عرض چند دقیقه محاکمه و بدون هیچگونه موازین قانونی به جرایم نا کرده محکوم می شوند.

35 سال حبس تعزیری و 2240 ضربه شلاق محاصل شعبه 104 دادگاه جزایی تبریز علیه فعالین مدنی

آقای نقی محمودی وکیل دادگستری در مورد دستگیری ها و محاکمات به اطلاع رسانه ها می رساند:

دادگاه شعبه 104 دادگاه جزایی تبریز به ریاست "کیانوش شکوه تازه" به اتهام 112 نفر از معترضین به خشکاندن دریاچه ارومیه رسیدگی و مبادرت به صدور حکم سنگین محکومیت حبس و شلاق در خصوص 57 نفر کرده است. در میان این 112 نفر، 5 نفر خانم و 9 طفل کمتر از 18 سال نیز به چشم می خورد که رسیدگی به اتهامات اطفال مذکور (علی شاهد، کیومرث قربانی نیکنام، عارف حسن پور، حسن زادباقر، علی زادباقر، بهنام چمنی، خسرو عبداللهی، امیر شریف، مهدی شریف) به دادگاه اطفال احاله شده است. همچنین 55 نفر از افراد دستگیر شده از اتهامات انتسابی تبرئه شده اند. عده ای از این افراد، روز 12 شهریورماه سال جاری در تبریز و در جریان تجمع اعتراضی مردمی به رد طرح دو فوریتی آبرسانی به دریاچه ارومیه دستگیر شده بودند. عده ای نیز، پس از برگزاری مسابقات فوتبال بین تیم های تراکتور سازی و مس کرمان و استقلال دستگیر و پس از انتقال به اداره اطلاعات در معرض توهین و شکنجه های روحی و جسمی زیاد قرار گرفته و پی از روزها و هفته ها بازجویی موقتا آزاد شده بودند. لازم به ذکر است که نسبت به دو نفر از اطفال دستگیر شده در اداره اطلاعات نیروی انتظامی تبریز از سوی بازجویان تعرض جنسی شده بود که شرح کامل آن را پیشتر و طی نوشته ای جداگانه به اطلاع عموم رسانده ام. استاد قاضی دادگاه به ماده 618 قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) استنادی حقوقی نبوده و انطباق عنصر مادی جرم موضوع این ماده با رفتار مشروع و انسانی معترضین بلا وجه و مخدوش است. چرا که معترضین به ندای وجدان بیدار خود که در بسیاری خفته است گوش فرا داده و با جدی دانستن این معضل و عدم توجه و احساس مسئولیت از جانب آن ها، قصد اخطار به مسئولین را داشته اند. بنا براین، رفتار اعتراض آمیز معترضین که ممکن است در مواردی شکل قهر آمیز و خشم آلود به خود گرفته باشد به هیچ وجه من الوجوه در ردیف عنصر مادی اخلال در نظم عمومی موضوع ماده مذکور نیست.

موضوع خشکاندن دریاچه ارومیه از سوی دولت که چند سالیست مورد توجه رسانه ها و کارشناسان قرار گرفته همواره مورد انکار و فرافکنی مقامات جمهوری اسلامی بوده است. به طوری که مسئولین امر به جای توجه اصولی به این فاجعه عمیق زیست محیطی و جلوگیری از گسترش دامنه آثار

ویرانگر تبدیل دریاچه مذکور به کویر نمک، معترضین به آن را، مورد سرکوب و آزار قرار داده است. به طوری که در دو سال اخیر صدها تن در شهرهای مختلف آذربایجان، خاصه در تبریز و ارومیه دستگیر و احکام سنگینی حد اقل در خصوص ده ها تن صادر شده است که وکالت عده ای از آن ها را بر عهده گرفته بودم. در حالی که به اظهار کارشناسان محیط زیست تنها راهکار منطقی برای رفع این معضل، باز کردن سد های احداثی در مسیر رودخانه و سرازیر شدن آب ذخیره شده پشت سدها به دریاچه است.

دادگاه 10 نفر دیگر از معترضین به خشکاندن دریاچه ارومیه شنبه هفدهم دیماه دادگاه 10 تن دیگر از فعالین ملی و مدافعان محیط زیست تبریز برقرار شد. آقایان اکبر مهاجر، محمد رضا بخشی، خواجه رحیم رضایی، شهرام داداشی، مسعود بابرامی، اصغر آقایی الوندی، حسن فتحی، سید آیدین حسینی، امیر بابایی و ولی برقدار که در شهریور ماه سال جاری دستگیر شده بودند، به اتهام تبلیغ علیه نظام و تباہی برای ارتکاب جرم علیه امنیت کشور محاکمه شدند. متهمین در دفاع خود اتهامات وارده را رد کردند. گفته شده است طی ده روز آینده احکام آنها صادر خواهد شد.

انحلال انجمن علمی دریاچه ارومیه در دانشگاه بناب

فعالین دانشجویی دانشگاه بناب دو سال پیش مبادرت به تشکیل انجمن علمی دریاچه ارومیه کردند. اخیرا فعالین دانشجویی این دانشگاه در صدد ارتقاع این انجمن به کانون بر آمدند. این امر با مخالفت مسئولین امور روبرو شدند که با پیگیریهای دانشجویان مجوز برای کانون دریاچه ارومیه کسب شد اما بعد از نصب اطلاعیه تشکیل این کانون در بولتن این دانشگاه همه این اطلاعیه ها توسط حراست جمع آوری و پس از احضار دانشجویان به حراست در مقابل چشمشان پاره شد. رئیس حراست دلیل این اقدام را با جواب واهی غیر قانونی بودن فعالیت کانون ذکر کرد. این درحالیست که شورای فرهنگی دانشگاه مجوز را در خصوص فعالیت این کانون صادر نموده بود. این امر با مخالفت شدید دانشجویان روبرو می شود. اعتراضات گسترده دانشجویان حراست دانشگاه را وادار به پذیرش کانون مشروط بر اینکه زیر نظر حراست عضو گیری کنند، می نماید. فعالین کانون در درگیری با حراست، مرتب به حراست خوانده می شوند. دانشجویان احتمال میدهند که حراست شورای فرهنگی دانشگاه را وادار به انحلال کانون نماید.

احتمال انحلال بند زندانیان سیاسی در زندان ارومیه خبرگزاری حقوق بشری هرنا گزارش می دهد: در پی انتقال شش زندانی سیاسی به انفرادی زندان مرکزی ارومیه، فردی به نام مهرعلی فرهنگ مسئول بند سیاسی (بند 12) به زندانیان محبوس در این بند اعلام داشته است که به زودی بند سیاسی منحل خواهد شد. بنا به اطلاع از ارومیه، مهر علی فرهنگ که در طی ماههای اخیر اقدام به آزار و اذیت زندانیان سیاسی محبوس در این بند می کند با تهدید زندانیان به انحلال بند 12 به ایشان اعلام کرده است که همه زندانیان در بند های مختلف زندان پخش خواهند شد.

کارگران کارخانه هوکامه ابهر 6 ماه است حقوق دریافت نکرده اند.

کارخانه هوکامه ابهر تولید کننده پنل در حال حاضر حدود 60 کارگر دارد که بین 9 تا 6 ماه حقوق دریافت نکرده اند. مسئولین کارخانه نزدیک به یک سال است که حق بیمه کارگران را نپرداخته اند. گفته می شود در میان کارگران تنها دو نفر رسمی هستند.

خودرو سازی تبریز همچنان در بحران روز 29 آذر ماه خبرگزاری فارس از " راه افتادن دوباره" خودرو سازی تبریز خبر داده بود. رضا رحمانی نماینده مجلس شورای اسلامی از تبریز، اسکو و آذرشهر گفته بود: "مشکل شماره گذاری وانت پیکان از سوی پلیس راهوارحل شده و ایران خودرو به آغوش صنعت باز گشت" اما خبرهای دیگر حاکی از ادامه بحران و درگیری های داخلی مسئولان ذیربط می دهد. رحمانی ادامه می دهد: "انتظار از مسئولان این است که با تعامل و گفتگو با یک دیگر مشکلات راحل کرده و کار را به جای باریک نکنانند."

کارخانه کاغذ سازی مراغه تعطیل است کارخانه کاغذ سازی مراغه که با ظرفیت 400 تن کارگر کار می کرد، مدتی است که بسته شده است. بسته شدن کارخانه باعث بیکاری صدها کارگر گردیده که از بیکاری و بلا تکلیفی رنج میبرند. کارگران بیکار شده می گویند نمی دانیم چرا با وجود مواد اولیه و ابزار کار، کارخانه از تولید باز مانده است.

اعتراض کارگران بازنشسته آذربایجان شرقی به پیش نویس قانون کار

خبرگزاری ایلنا خبر از گردهمایی کارگران و بازنشستگان آذربایجان شرقی در سالروز تصویب قانون کار داد. در این نشست دبیر اجرایی خانه کارگر آذربایجان شرقی با اشاره به نگرانی ها و دغدغه های کارگران و بازنشستگان گفت: ما هر روز شاهد خالی تر شدن سفره های کارگران و بازنشستگان هستیم که وضعیت آنان با وجود تورم و کمتر شدن قدرت خرید هر روز بدتر می شود.

کریم صادق زاده با اشاره به عدم توجه دولت به صنایع داخلی، ورود بی رویه کالا و ورود کالا از طریق قاچاق و عدم حمایت از کالاهای تولید شده داخلی، افزود: این مشکلات و عدم توجه جدی دولت در این زمینه موجب توقف تولید و اخراج کارگران شده است و این در شرایطی است که دولت وعده ایجاد دو و نیم میلیون شغل را در سال 90 داده است. ولی تا کنون نه تنها یک چهارم آن تحقق نیافته بلکه به خاطر واگذاری غلط کارخانجات به نام خصوصی سازی، بسیاری از کارگران شاغل یا شغل خود را از دست داده اند و یا شغل خویش را با وجود قراردادهای موقت در خطر می بینند.

وی در پایان با اشاره به طرح اصلاحیه قانون کار و نگرانی طبقه کارگر از این موضوع گفت: "ما اعلام می کنیم هرگونه دست اندازی به قانون کار جمهوری اسلامی ایران را بی جواب نمی گذاریم و باید طراحان این تغییرات و نمایندگان مجلس شورای اسلامی بدانند که بدون کسب رضایت کارگران و بدون حمایت نیروی کار هر گز موفق به اصلاح قانون نخواهند بود و باید در تمامی مراحل مشورت با نمایندگان کارگری را سر لوحه برنامه های خویش قرار دهند"

بر اساس تهدیدات این فرد مقرر گردیده است که 30 تن از زندانیان سیاسی محبوس در بند 12 به سایر بندهای زندان ارومیه که محل نگهداری زندانیان با جرایم مخدر است منتقل شوند. در همین راستا دو زندانی سیاسی به نامهای مجید دلایی میلان و شفق دلایی میلان از بند زندانیان سیاسی به بند معتادین و ناصر جعفری که در آذرماه سال جاری در بند مورد ضرب و شتم قرار گرفته بود به همراه یک زندانی سیاسی دیگر نیز به سایر بندهای زندان منتقل شدند.

همچنین بنا به گزارش دیگری حبیب الله گلپری پور، علی احمد سلیمان و جهانگیر بادوزاده که از 15 آذر ماه به سلولهای انفرادی زندان ارومیه منتقل شده بودند به بند سیاسی باز گردانده شدند.

فشار مقامات امنیتی در محیط های دانشگاهی

جمع کثیری از دانشجویان دانشگاه تبریز به دستگیری مهرداد کرمی اعتراض خود را به مقامات مربوطه رساندند. در این بیانیه آمده است:

اخیرا نهادهای امنیتی با همکاری مسئولین دانشگاهی علی الخصوص حراست دانشگاه تبریز، اقدام به دستگیری "مهرداد کرمی" فعال دانشجویی دانشگاه تبریز نموده اند. مهرداد کرمی اهل زنجان، دبیر سابق کانون آذربایجان شناسی، دانشجوی مهندسی برق دانشگاه تبریز صبح روز سه شنبه 3 دی 1390 توسط نیروهای امنیتی از سرویس دانشگاه ربوده شد. این در حالیست که مسئولین دانشگاهی بی شرمانه از قبول مسئولیت خود در قبال حمایت از دانشجو و حریم دانشگاهی سرباز می زنند.

لذا ما عده کثیری از دانشجویان دانشگاه تبریز با اعلام اعتقاد قلبی خود به مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر و تلاش در جهت تحقق آن در راستای احقاق تحقق آن، در راستای حقوق ملت آذربایجان، بر خود لازم می دانیم بر خوردهای صورت گرفته با فعالین دانشجویی را تقبیح کرده، ضمن یاد آوری ممنوعیت ورود نهادهای امنیتی به حریم دانشگاه، لزوم رعایت حقوق کلیه فعالین مدنی دانشجویی با هر گرایش فکری و عقیدتی را یاد آور شویم.

ما خصوصا نسبت به سرنوشت دانشجویان بازداشت شده مهرداد کرمی ابراز نگرانی کرده و از تمامی مجامع حقوق بشری در داخل و خارج از کشور درخواست داریم با حساسیتی ویژه پیگیر این دانشجو بوده و برای آزادی وی بکوشند.

اخبار کارگری آذربایجان

تجمع اعتراضی کارگران ذوب آهن اردبیل

کارگران ذوب آهن تبریز هنوز موفق به گرفتن حقوق معوقه خود نشده اند. 500 تن از کارگران این کارخانه دو شنبه 12 دیماه سال جاری با تجمع اعتراضی در محل کارخانه خواستار پرداخت حقوق معوقه خود شدند. کارگران می گویند 6 ماه حقوق دریافت نکرده اند و همچنین نگران وضعیت کاری خود هستند. آنها می گویند این کارخانه قبلا 1800 تن کارگر داشته در حالیکه اکنون به حدود 500 نفر تقلیل یافته است. یک روز قبل از تجمع، کارگران نامه اعتراضی خود را به استانداری و اداره کار ارایه کرده بودند. بی توجهی مسئولین استان به سرنوشت کارگران و خانواده آنان، و تلاش برای جلوگیری از گسترش اعتراضات آنان به دیگر بنگاههای

فرقه دموکرات؛ زمینه ها و اقدامات

با نگاهی گذرا به تاریخ معاصر ایران (انقلاب مشروطیت) خواهیم دریافت که به نتیجه نرسیدن این جنبش اجتماعی باعث شکل گیری یک حکومت توتالیتر در ایران شد که در راس آن دیکتاتوری به نام رضا شاه قرار داشت. وی در مدتی که به سریر قدرت تکیه زده بود ظلم ها و ستم های بیشماری را به مردم ایران (به ویژه مردم آذربایجان) روا داشت و همه چیز را فدای بلند پروازی ها و خود خواهی های خود کرد. تبعید وی بعد از جنگ دوم جهانی فضای دیکتاتوری حاکم را از میان برداشت و تقریباً آزادی را بر جامعه حاکم کرد. درست در همین زمان است که ما شاهد ظهور جنبش های اجتماعی مترقی هستیم؛ که می توان ادعا کرد سر آمد آنها فرقه دموکرات آذربایجان است. آذربایجان نقش عمده ای در عمیق کردن انقلاب مشروطیت داشت، تمام ما ایرانی ها با نام های ستارخان و باقرخان و قهرمانان مشروطه آشنایی کامل داریم. بعد از جنگ اول جهانی حکومت آذربایجان به رهبری شیخ محمد خیابانی در این خطه ایجاد شد. طی دهه ۱۹۳۰ م/ ۱۳۱۰ ه ش پا به پای رشد توسعه تهران این خطه پر جمعیت تجاری و زراعی شاهد رکود بود. آذربایجانی که در عهد قجر ولیعهد نشین بود و به نوعی پایتخت دوم کشور محسوب می شد، شهر اولین ها لقب یافته بود، صف اول آزادی خواهی و مشروطه خواهی بود، در حفظ و استقرار آن از جان و مال خود دریغ نورزیده بود، بعد از جنگ اول جهانی در جنبش آذربایجان حضور فعال داشت و با مبارزات خود مسبب بی اعتباری قرار داد ۱۹۱۹ شده بود؛ حال با قدرت یابی خاندان پهلوی کم کم در می یافت که بر خلاف هزینه های سنگینی که در این مسیر متقبل شده، نه تنها نصیبی از مبارزات سیاسی - اجتماعی خود به دست نیاورده است بلکه شان و منزلت سابق خود را از دست داده است. در بودجه ۱۹۴۵ - ۱۹۴۴ م/ ۲۴ - ۱۳۲۳ ه ش مبلغی که برای تهران در نظر گرفته شده بود ۲۰ برابر مبلغ منظور شده برای آذربایجان بود؛ این درحالی بود که آذربایجان سه برابر تهران جمعیت داشت.

دکتر حسن جودت می نویسد: (قبل از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و استقرار حکومت پهلوی، آذربایجان بنا به موقعیت جغرافیایی از ثروتمندترین ایالت های ایران بود. در آنجا به زبان تورکی روزنامه های متعدد انتشار می یافت، در مدارس به زبان تورکی آذربایجانی تدریس می شد و مناسبات اقتصادی و

تجاری با خارج از کشور رونق داشت. با تشکیل حکومت پهلوی آذربایجان سیر قهقرایی خود را آغاز کرد. استفاده از زبان مادری در ادارات و مدارس و... (ممنوع گردید. (حتی برای آن مجازات و جریمه قائل شدند)، توسعه آموزش و پرورش محدود گردید و از توسعه اقتصادی این ایالت ممانعت بعمل آمد. ملت آذربایجان به انواع و انحاء گوناگون مورد تحقیر قرار گرفت و با آذربایجان که در گذشته چشم و چراغ ایران شمرده می شد، مانند یک مستعمره رفتار کردند. ادارات دولتی را به فارس زبانان سپردند که در میان آنان افراد فاسدی بودند که به مردم ظلم و ستم روا می داشتند. به بهانه اینکه آذربایجان در مجاورت شوروی قرار دارد از پیشرفت صنعتی آن جلوگیری بعمل می آمد. فقر سیاه و گرسنگی هزاران زحمتکش شهری و دهقانان روستایی آذربایجان را واداشت تا خانه و کاشانه خود را ترک گفته و برای کسب یک لقمه نان به تهران و سایر شهرهای ایران روی آوردند.

این عوامل و سیاست های اقتصادی حکومت پهلوی از یک سو و عوامل فرهنگی مثل مجبور شمردن و کوچک شمردن زبان تورکی، به سخره گرفتن زبان تورکی و تورکان، نظام کهنتری - مهتری و برتری یک قوم بر سایر اقوام و... از سوی دیگر باعث شد که مردم آذربایجان خواستار احقاق حقوق حقه خود شوند.

مردم آذربایجان در برابر سیاست های قوم ستیزانه پهلوی شروع به مقاومت کردند آنها به این نتیجه رسیده بودند که راه پیشرفت آذربایجان و ایران خود آگاهی مردم آذربایجان و ایران است، نه کمک خواهی و استمداد از دیگران. جعفر پیشه وری با کمک علی شبستری، صادق پادگان (مسئول حزب توده در تبریز) و جعفر کاویان در ۱۲ شهریور ۱۳۲۴ بیانیه ای مشتمل بر یک مقدمه و ۱۲ ماده مبنی بر تشکیل فرقه دموکرات به دو زبان تورکی و فارسی صادر کرد. دیری نپایید که انجمن آذربایجان، اتحادیه های کارگری (حدوداً ۵۰ هزار کارگر عضو آن بودند)، تشکیلات حزب توده (ایران) و... بدون مشورت با تهران به فرقه پیوستند. با این تحولات اعضای فرقه به بیش از ۱۵ هزار نفر رسید. جنبش دموکرات آذربایجان در مقایسه با جنبش مشروطیه پایگاه اجتماعی گسترده تری داشت. چرا که مشروطه را ائتلاف مردمی طبقات شهری رهبری کرد اما در جنبش دموکرات آذربایجان علاوه بر

باید مالیات ها به تهران و مناطق مرکزی سراریز شود؟ آیا آذربایجان نباید سهمی از پیشرفت و ترقی صنعتی کشور داشته باشد؟ و سوالاتی از این قبیل. آنان سیاستمداران تهران را به نادیده گرفتن مسائل و مشکلات آذربایجان متهم می کردند و خواهان توجه به تاریخ، فرهنگ و زبان آذربایجان بودند. کنسول آمریکا 4 سال قبل از ایجاد بحران در تبریز احتمال وقوع این جنبش را پیش بینی کرده بود. اعتقاد داشت که این جنبش احتمالاً بدون حمایت شوروی از میان خواهد رفت. اما با این وجود تاکید می ورزید که همین جنبش از حمایت چشمگیر مردمی برخوردار است و بیانگر نا رضایتی واقعی این افراد از حکومت مرکزی می باشد.

برخی از پژوهشگران بر این باورند که این حرکت یک توطئه از جانب شوروی بوده و آنها بخاطر کسب امتیاز نفت شمال و تحت فشار قرار دادن حکومت مرکزی این غائله را راه انداخته اند. اما آیا واقعا اینگونه است؟ کنسول انگلستان در تبریز می نویسد: (در عین حال که قابل تصور نیست جنبش 24 بدون حمایت روس ها بتواند پایدار بماند و در عین حال که روس ها مسلماً بخاطر اهداف خود از جنبش حمایت می کنند، نمی توانم این حقیقت را نا دیده انگارم که در میان کارگران و دهقانان این ایالت چیزی هست که همواره رنجش اصلی مردم از بی کفایتی و بی مسئولیتی حکومت ایران را دامن می زند. فلاکت ها و بیدادگری های عینی وجود دارد که در هر کشور دیگری کافی بود تا بخودی خود شورشی ایجاد کند. باور نمی کنم که روس ها کل این جنبش را از پیش تدارک دیده باشند. بیشتر چنین به نظر می رسد که آنان از وضعیت انقلابی اصیلی بهره برداری می کنند).

تحرك فرقه در آذربایجان خشم مفرطی را در مرکز ایجاد کرد. افشار روزنامه نگار "آینده" گفته های خود را در خصوص محو سایر زبان ها تکرار کرد. روزنامه اطلاعات در سرمقاله ای با عنوان زبان تورکی در آذربایجان نوشت: چه کسی آثار ادبی غنی و جهانگیر فردوسی، سعدی، مولانا و حافظ را با وراجی و ناهنجاری غارتگران تورک عوض می کند؟ حکیمی که نخست وزیر وقت بود از مذاکره با فرقه خودداری کرد و آنها را شورشی خواند و تاکید کرد که تورکی زبانی است که مغولان وحشی بر آذربایجان تحمیل کرده اند. این سخنان و رفتارهای مرکز نشین ها تأثیری جدی بر روند تحولات در آذربایجان داشت.

طبقات شهری، دهقانان و زمینداران هم حضور داشتند.

بسیاری از مورخان بر موضع جدایی طلبانه فرقه تاکید کرده اند؛ اما رؤس برنامه های فرقه، بیانیه ها و اقدامات آن همگی موید وفاداری فرقه به خود مختاری محلی و فرهنگی فرقه در چهارچوب سرزمین ایران است. فرقه هیچگاه از عنوان "جمهوری دموکراتیک آذربایجان" استفاده نکرد و بجای آن تعابیر مجلس ملی، دولت ملی، مجمع ایالتی و ... را بکار می گرفت. علاوه بر آن پیشه وری در کابینه خود پست های وزارت امور خارجه و وزارت جنگ را تأسیس نمود.

بیانیه 12 شهریور تبلور خواست های فرقه است. آنها در این بیانیه تاکید بر خودمختاری سیاسی، فرهنگی، اقتصادی آذربایجان در چهارچوب ایران داشتند، تاکید بر استفاده از زبان تورکی آذربایجانی در مدارس و ادارات دولتی و تخصص عواید مالیاتی به توسعه آذربایجان، تشکیل مجلس ایالتی و ولایتی طبق قانون اساسی مشروطه. این اصلاحیه ها با توجه به مشکلات و فقر و تنگدستی توده های دهقانان روستایی و زحمتکشان شهری خیلی زود مورد قبول مردم آذربایجان از هر طبقه و قشری قرار گرفت. گر چه نیروهای کمونیست از وزنه های اصلی فرقه دموکرات به شمار می آمدند اما بنا به ترکیب این جنبش، که طبقات و قشرهای مختلف از مردم را در بر می گرفت بیشتر از آنکه آنها به یک حزب کمونیستی شبیه کند، آنها به یک جبهه وسیعی که خواهان رفع ستم ملی، زبانی و قومی و در عین حال ضد دیکتاتوری و استبداد تبدیل کرده بود.

گرچه نقش اتحاد جماهیر شوروی را در تشکیل این بحران نمی توان انکار کرد، با این حال نمی توان چشم بر روی علل و عواملی که طی سالیان و دهه های بعد از مشروطه و در دوران رضا شاه زمینه ها و بسترهای و اگرایی قومی - محلی را فراهم آورده و حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روانی آنان را تحت فشار های مختلف قرار داده است فرو ببندیم. بوارد سفیر کبیر بریتانیا در ایران علت ظهور این جنبش را تمرکز گرایي شدید می داند.

اعضای فرقه دموکرات خواستار سه تجدید نظر عمده برای آذربایجان بودند که شامل استفاده از زبان تورکی آذربایجانی در مدارس و ادارات، تشکیل مجلس ایالتی و ولایتی و تخصص عواید مالیاتی به توسعه آذربایجان. حرف اصلی آنها این بود که چرا

ایالتی تهیه می کند، انتخاب کند و انجمن ایالتی را به تعیین روسای ادارات محلی مجاز بداند. 75 در صد مالیات حاصل از آذربایجان را در ایالت مصرف کند، زبان های تورکی و فارسی در محاکم و عدلیه و ادارات به رسمیت شناخته شد و تعهد کرد که خط آهن سراسری را تا تبریز ادامه دهد.

افراد بی طرف در پایتخت این امتیازات را از حقوق ابتدایی مردم آذربایجان بر شمردند؛ افرادی از قبیل ابوالقاسم امینی اشرفی صاحب روزنامه "امید" کی استوان یار مصدق و سر دبیر روزنامه "ظفر" و حزب ایران که فرقه را به سبب اجرای اصلاحات وسیع در آذربایجان و تقویت نیروهای مترقی در سراسر ایران ستود. در چنین زمانی بود که تبریز فتح شد. بعد از فتح شهر تبریز نیروهای دولتی فجایی بی شمار در این شهر راه انداختند که مطبوعات آن سال های ایران و جهان مملو از شرح و بسط این اقدامات شد. در حالیکه فردوست از اعدام حدودا 3000 نفر بدون هیچگونه تشریفات و دادگاهی خبر داد، کنسول آمریکا آمار قتل و اعدام را در تبریز 20000 نفر و در ایالت بیش از 50000 نفر ارزیابی کرد.

با تصرف تبریز تمام اقدامات و دستاوردهای فرقه نا بود شدند و تمام کتبی که به زبان مادری در این مدت چاپ شده بودند و بیانگر فرهنگ، ادب، تاریخ و در یک کلام هویت آذربایجان بودند، در آتش کینه و قهر نژادپرستان سوختند. آتشی که امروز هم در حافظه تاریخی مردم آذربایجان زبانه می کشد و هیچ دلیل منطقی برای توجیه آن نمی توان آورد. نه تنها از دست دادن آن فرصت تاریخی و قتل عام و کشتار بی رحمانه مبارزان این جنبش تاسف انگیز است، بلکه تاسف انگیز تر از آن مظلومیت این جنبش در مبارزه آن با استبداد و دیکتاتوری بود، که نه تنها استبداد به شکل فیزیکی آن را نا بود کرد، بلکه با تلاشی بی وقفه سال های سال پرده ای از افترا و بهتان بر آن و مبارزات آن ها کشید.

مجید صالحی

گرفته شده از "باخیش" نشریه دانشجویان آذربایجانی دانشگاه گیلان. شماره دوم دیماه 90

در مهر ماه 1324 فرقه با تشکیل نخستین کنگره حزبی خواستار تحقق برنامه های خود، تسلیح مردم جهت حفظ دستاوردهای خود شد و تقریبا شورشی بدون خون ریزی در سر تا سر آذربایجان سازمان داد و تمام شهرهای آذربایجان را تصرف کرد. ابتدا سراب، اردبیل، مشگین شهر، سپس میانه، مراغه، میاندوآب، آستارا، انزلی و نهایتا تبریز و ارومیه را تصرف کردند. دولت مرکزی از فروش محصولات کشاورزی آذربایجان به نواحی جنوبی ایران جلوگیری کرد. در آذرماه 1324 مجلس ملی آذربایجان تشکیل شد و علی شیبستری به ریاست مجلس ملی منصوب شد و پیشه وری نیز به سمت نخست وزیری (باش وزیر) رسید. وی کابینه ای 12 نفره تشکیل داد.

فرقه بعد از تشکیل دولت دست به اقداماتی زد که در چند بعد آنها را بررسی می کنیم. امنیتی - سیاسی: فرقه قشون خلق آذربایجان را ایجاد کرد، آموزشگاه عالی نظامی در تبریز احداث کرد. در حوزه فرهنگی اقداماتی از قبیل ایستگاه رادیویی صدای حکومت ملی آذربایجان، 16 نشریه، چاپخانه، چاپ کتب به زبان تورکی، تشکیل کلاس های پیکار با بی سواد، احداث دانشگاه تبریز، دبستان ها و دبیرستان ها، احیای تئاتر بومی و تشکیل انجمن هنرمندان داشت. در زمینه های اقتصادی عملکرد فرقه به شرح زیر است؛ آنها حدود دو دهه قبل از محمد رضا شاه دست به اصلاحات ارضی زدند، کاهش بهره مالکانه، تدوین قانون کار، ملی کردن بانک ها، تاسیس کارخانه های نساجی ظفر، افتتاح فروشگاه های دولتی برای مبارزه با تورم، تاسیس خطوط اتوبوسرانی، لوله کشی آب شهر تبریز، کاهش بیکاری، مبارزه با استعمال تریاک، برخورد قاطع با اشرار و برای نخستین بار حق رای به زنان در تاریخ سیاسی - اجتماعی ایران.

براساس همین اقدامات است که ریچارد کاتم گفته است: کارهایی که فرقه در مدت یک سال انجام داد بیشتر از اقدامات رضا شاه در مدت بیست سال است. در خردادماه 1325 فرقه با دولت مرکزی به توافقاتی رسیدند. احمد قوام نخست وزیر وقت، حکومت ملی آذربایجان را بعنوان انجمن ایالتی آذربایجان، مجلس ملی را بعنوان مجلس ایالتی و فدائیان مسلح را بعنوان نیروهای امنیتی ایالت به رسمیت شناخت. همچنین قوام تعهد کرد که من بعد استانداران آذربایجان از میان فهرستی که مجلس

به مناسبت ۲۱ آذر، سالگرد برپایی حکومت ملی و مردمی آذربایجان

مسئله ملی، ضرورت مبارزه برای الغای ستم ملی، و تامین حقوق خلق های ایران



گروهی از رهبران و فعالان فرقه دموکرات آذربایجان.
زیر تصاویری از ستارخان، خیابانی، باقرخان و حیدرخان عموغلی

سرمایه داری، تجزیه و تفرقه اقتصادی- سیاسی به تدریج از میان رفت، و «بازار واحد» در مقیاس کشوری پدید آمد، و به این ترتیب اشتراک و اتفاق پایدار ضرور بین افراد تامین گشت. لنین، شالوده این اشتراک را عامل های اقتصادی ژرف و ریشه دار می‌داند. به عبارت دیگر، ملت محصول ناگزیر و ضرور تکامل اجتماعی در دوران سرمایه داری است. بنابراین، ایجاد تفاوت، تبعیض، و دمیدن به آتش اختلاف بین خلق ها، که ستم ملی نامیده می شود، به طور کلی ناشی از ژرفش تضادهای اجتماعی است که با رشد سرمایه داری پدید می آیند. لنین در اثر پرارزش خود به نام: «درباره حق ملت ها در تعیین سرنوشت خویش»، همواره یادآوری می کند که، باید به مسئله ملی به طور مشخص و تاریخی برخورد کرد. او هرگونه برخورد مجرد و انتزاعی را رد می‌کند و می نویسد: «تئوری مارکسیستی بی چون و چرا ایجاب می کند که هنگام تجزیه و تحلیل هر مسئله اجتماعی، آن مسئله ابتدا در چارچوب تاریخی معین مطرح گردد و سپس چنانچه سخن بر سر یک کشور (مثلا بر سر برنامه ملی برای این کشور) باشد، خصوصیات مشخصی که در حدود یک دوره معین تاریخی این کشور را از دیگر کشورها متمایز می سازد، در نظر گرفته شود» (لنین، «درباره حق ملت ها در تعیین سرنوشت خویش»، منتخب آثار، صفحه ۲۶۱).

به علاوه، لنین با موشکافی منحصر به فرد خود، در خصوص رابطه میان مسئله ملی و مبارزه

با فرارسیدن ۲۱ آذر ماه، امسال شصت و شش سال از جنبش ملی، ضد امپریالیستی، و دمکراتیک آذربایجان، به رهبری فرقه دموکرات آذربایجان، می گذرد. این جنبش اصیل مردمی بر پایه خواست تامین حقوق برابر خلق های ایران، مبارزه با دیکتاتوری، و دفاع از استقلال و تمامیت ارضی کشور، طی یک سال حیات خود منشأ خدمات ارزنده و فراموش نشدنی بی در عرصه های گوناگون زندگی مردم بود. جنبش ۲۱ آذر در مقام جنبشی دمکراتیک، دستگاه فاسد دولتی را هدف قرار داد، و با تشکیل انجمن های ده، شهر، و ولایات، و اتحادیه های صنفی، حقوق و آزادی های دمکراتیک اکثریت مردم آذربایجان را تامین کرد. با نگاهی حتی گذرا به جنبش ۲۱ آذر پس از شصت و شش سال، اهمیت مبارزه برای رفع ستم ملی، تامین حقوق برابر خلق های ایران، و مهم تر از همه پیوند جدایی ناپذیر میان مبارزه با استبداد و استعمار و پیکار در راه لغو ستم ملی، را به وضوح می‌توان مشاهده کرد.

مسئله ملی، و ماهیت آن :

درک مفهوم و ماهیت مسئله ملی، و ارایه تعریفی علمی از آن، از اهمیت جدی برخوردار است. زیرا در اوضاع کنونی جهان، مسئله ملی یکی از چالش برانگیزترین موضوعها بوده است، و برخورد نادرست با آن در برخی جاها، به جنگ و ویرانی و پایمال شدن حقوق خلق ها و دخالت امپریالیسم منجر گردیده است.

زنده یاد علی گلاویژ، از رهبران شهید حزب ما، که در جریان فاجعه ملی اعدام شد، هنگام طرح مسئله ملی تاکید کرده است: «برای حل درست مسئله ملی باید آن را به درستی طرح کرد، و برای طرح درست آن باید خود مسئله را آنچنان که هست به شیوه علمی درک نمود» (علی گلاویژ، «در باره سیاست ملی حزب توده ایران»، چهل سال در سنگر مبارزه، صفحه ۲۳۱).

مسئله ملی به طور کلی عبارتست از: راه، روش، و وسایل رهایی ملت های اسیر و تامین حقوق برابر برای خلق ها، بدون استثناء! با پیدایش و رشد

جهانی ابتدا به سرکردگی انگلیس و سپس آمریکا قرار داد ... هدف آن تبدیل ایران به فرق سرمایه داری وابسته ایران و حامیان امپریالیستی آن بود و به تشدید استثمار زحمتکشان و فشار مضاعف بر خلق های غیر فارس و تحلیل اجباری آنها منجر گشت“ (علی گلاویژ، همانجا).

بنابراین، ستم ملی در میهن ما با رشد و نفوذ استعمار و جایگاه سرمایه داری وابسته و انگلی در دو حکومت استبدادی (سلطنتی و ولایی) پیوند ارگانیک داشته و دارد. از این مهم می توان چنین نتیجه گرفت که، به لحاظ تاریخی، الغای ستم ملی و مبارزه برای تامین حقوق برابر خلق ها، با مبارزه سراسری دمکراتیک و آزادی خواهانه پیوند سرشتی دارد. یکی از جنبه های برجسته و ارزنده جنبش ۲۱ آذر و نیز جنبش ۲ بهمن کردستان، درک و عمل به این واقعیت بود.

حزب توده ایران، و مسئله ملی :

حزب توده ایران نخستین و پیگیرترین نیروی سیاسی تاریخ معاصر میهن ما است که از همان بدو پیدایش و فعالیت حل مسئله ملی به سود تامین حق برابر خلق ها در چارچوب ایران واحد و دمکراتیک، را مطرح و برای آن مبارزه کرد.

در برنامه مصوب “کنگره اول حزب توده ایران” در سال ۱۳۲۳، در خصوص حقوق خلق های ایران، چنین آمده است: “تساوی کامل حقوق اجتماعی بین کلیه افراد ملت ایران قطع نظر از مذهب و نژاد، آزادی کامل برای افراد اقلیت در امور فرهنگی و مذهبی خود.“ (اسناد و دیدگاه ها، صفحه ۶۶)

در برنامه تصویب شده در “کنگره دوم حزب”، ۱۳۲۷، نیز این مواد با صراحت مورد تایید قرار گرفت. باید در نظر داشت که، حزب به لحاظ زمانی در اوضاع و احوالی دفاع از حقوق خلق ها را در اسناد رسمی خود دیگر بار گنجاند و در راه آن مبارزه کرد که جنبش های ۲۱ آذر ماه و ۲ بهمن ماه خلق های آذربایجان و کردستان از سوی ارتجاع پهلوی و امپریالیسم به خاک و خون کشیده شده بودند. نیروهای واپس گرا در آن دوره، حزب ما را به دلیل حمایت قاطع از جنبش ۲۱ آذر ماه و ۲ بهمن ماه، زیر حمله های سخت قرار می دادند. اما حزب توده ایران به رغم همه حمله ها و تبلیغ های زهرآگین دشمنان طبقاتی اش به اصول خود - از جمله مبارزه برای الغای ستم ملی - پایبندی نشان داد و وفادار ماند. در تمام طول دوران دیکتاتوری و وحشت پس از

سراسری، خاطر نشان می سازد: “پرولتاریا ... در عین حال که برابری حقوق و حق یکسان را در مورد تشکیل دولت ملی قبول دارد، در همان حال اتحاد پرولترهای همه ملل را بالاتر و ارزنده تر از همه می داند، و هر گونه خواست ملی و هرگونه جدایی ملی را از نقطه نظر مبارزه طبقاتی کارگران ارزیابی می کند.“ (لنین، همان، صفحه ۲۶۴).

بنابراین، باید به مسئله ملی برخورد مشخص تاریخی داشت. هنگام طرح مسئله ملی و با هدف الغای ستم ملی، باید تکامل جامعه را در دوران های مختلف، خصوصیت ها و ویژگی های هر کشور معین، تناسب نیروهای طبقاتی در صحنه جهان و در درون هر کشور معین، و درجه آگاهی و میزان فعالیت توده های مردم و سازمان یابی آن ها، را با دقت هر چه تمام تر در نظر گرفته و محاسبه کرد.

محتوا و اهمیت مسئله ملی در همه دوران ها یکسان نیست، و یکسان نمی تواند باشد.

مسئله ملی در ایران، خصلت و ویژگی های آن :

از نقطه نظر تاریخی و مشخص، مسئله ملی در میهن ما دارای ویژگی های بارزی است. به بیان دقیق تر، پیدایش و اعمال ستم ملی در ایران محصول دوران رشد مناسبات سرمایه داری و بخشی از سیاست رسمی “سرمایه داری وابسته” بود. ستم ملی با رژیم ولایت فقیه ادامه یافت، و این بار سیاست رسمی “سرمایه داری بزرگ تجاری” و متحد آن در حاکمیت، “سرمایه داری بوروکراتیک نو”، است. به علاوه، ستم ملی در کشور ما در ارتباط تنگاتنگ با نفوذ استعمار و امپریالیسم قرار دارد.

در این زمینه زنده یاد گلاویژ، با دقت علمی پی تحسین برانگیز، نوشته است: “طی قرون متمادی در ایران ... ستم ملی به معنای امروزی وجود نداشت. ولی با پیدایش سرمایه داری در ایران که برای ایران آن روز در واقع یک فرماسیون “وارداتی” بود و با نفوذ سرمایه استعماری و امپریالیستی و به دست بورژوازی کمپرادور و وابسته ایران تکوین و توسعه می یافت، ایران وارد مرحله تمرکز سیاسی و اقتصادی و نظامی و فرهنگی با محتوای سرمایه داری وابسته شد. این تمرکز دارای ماهیت ضد ملی و ضد دمکراتیک بود، و قوام ملی در ایران که در زمینه این تمرکز انجام گرفت، شدیداً تحت تاثیر ماهیت ضد ملی و ضد دمکراتیک آن قرار داشت ... (این تمرکز) ایران متمرکز را زیر سلطه امپریالیسم

تجربه جنبش ۲۱ آذر، و مبارزه امروز با استبداد: در سالگرد تاسیس حکومت ملی و مردمی آذربایجان، لزوم واریسی تاریخی به منظور تجربه اندوزی از گذشته و تحکیم صفوف مبارزه با استبداد و ارتجاع حاکم، و لزوم پیوند میان جنبش سراسری و مبارزه برای رفع ستم ملی، حائز اهمیت بسزایی است. یکی از مختصه‌های عمده جنبش ۲۱ آذرماه، ارتباط تنگاتنگ و ارگانیک آن با مبارزه سراسری آن دوره کشور بود. جنبش ۲۱ آذرماه، به رهبری فرقه دموکرات آذربایجان، نه تنها خود را بخش جدایی‌ناپذیر نهضت انقلابی وقت ایران می‌دانست و معرفی می‌کرد، بلکه با شهادت و هوشیاری اعلام می‌داشت که، حکومت ملی و جنبش ملی آذربایجان متکی به مبارزه همه خلق های ایران است. جنبش ۲۱ آذرماه، هدف خود را استقلال واقعی ایران و تامین دمکراسی در سراسر کشور اعلام می‌داشت. خدمات حکومت ملی در عمر کوتاه یک ساله خود - از جمله بسط شبکه مدارس و آموزش رایگان، تاسیس کتابخانه ها، افتتاح دانشگاه تبریز، انتشار بیش از ۵۰ روزنامه و مجله، ایجاد چاپخانه، ارکستر و اپرای ملی، و تاسیس ایستگاه رادیو - به علاوه مصادره املاک فئودال ها و تقسیم آن‌ها بین دهقانان فقیر و بی‌زمین، تدوین و اجرای قانون مترقی‌پی در زمینه کار و بیمه اجتماعی، به رسمیت شناختن حق زنان و حق رای آنان، و مواردی از این دست، فراموش نشدنی اند. این اقدام‌ها بی تردید از صفحه‌های درخشان تاریخ مبارزه مردم ایران به شمار می‌آیند.

در مرحله کنونی، با توجه به تجربه‌های حاصل از حکومت ملی و جنبش ۲۱ آذرماه، تحکیم و تقویت پیوند بین مبارزه در راه الغای ستم ملی و پیکار سراسری با استبداد حاکم، ضروری است. بخش مهم و موثر تجربه ۲۱ آذرماه، بر اهمیت بی‌چون و چرای این تجربه دلالت دارد. میهن ما لحظه‌های دشوار و حساسی را سپری می‌کند. از سویی استبداد داخلی با سرکوب و اختناق آینده میهن ما را به چالش کشیده است و از دیگر سو استعمار و قدرت‌های فرمانطقه‌ای با تمام توان در پی مداخله، سمت‌دهی، و تاثیر گذاری بر سیر تحولات ایران و منطقه‌اند. مبارزه با این دو عامل ویرانگر، وظیفه همه مبارزان ترقی خواه از جمله فعالان حقوق ملی خلق های ایران است.

حزب توده ایران آذر ماه ۱۳۹۰

کودتای آمریکایی ۲۸ مردادماه، در همه جلسه‌های رسمی حزبی: پلنوم ها، پلنوم های وسیع، در موردهای معین و متعدد، با صدور قطعنامه ها، قرارها، و بیان نامه ها بر رفع ستم ملی تاکید شده است. برنامه حزب، مصوب "پلنوم پانزدهم" سال ۱۳۵۴، در بخش "حل مسئله ملی"، آمده است: "الف- تامین حق کامل خلق های ساکن ایران در تعیین سرنوشت خویش. ب- شناسایی حق اقلیت های ملی ساکن ایران در برخوردار شدن از کلیه حقوق ملی، اجتماعی و فرهنگی خود" (اسناد و دیدگاه ها، صفحه ۶۹۴).

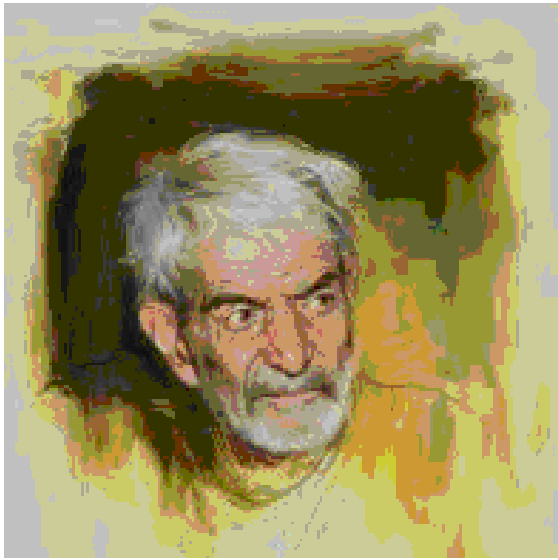
در اسناد "پلنوم" های پس از انقلاب و "کنفرانس ملی" نیز مبارزه برای لغو ستم ملی با تاکید مورد توجه قرار گرفته است. حزب ما در دوره کوتاه فعالیت علنی خود پس از انقلاب، با قاطعیت از حقوق خلق های کشور دفاع کرد، و اصول آن را در برنامه خود جاری ساخت.

"کنگره سوم حزب" بهمن ماه ۱۳۷۰، بر حق تعیین سرنوشت خلق ها بار دیگر تاکید کرد. در برنامه این کنگره قید شده بود: "حزب بر آن است که فقط با دادن حق تعیین سرنوشت به خلق ها در چارچوب ایران واحد و دمکراتیک می توان به همبستگی و وحدت خلق ها برای حل معضلات مشترک عظیم اجتماعی- اقتصادی و سیاسی دست یافت" (اسناد سومین کنگره حزب توده ایران، صفحه ۳۱). در این برنامه با صراحت از حق تشکیل "مجلس" و "دولت" ملی در محدوده یک جمهوری فدرال، پشتیبانی شده است.

"کنگره چهارم حزب" ما در بهمن ماه ۱۳۷۶، در برنامه مصوب خود خاطر نشان ساخت: "حزب توده ایران طرفدار کامل حقوق کلیه خلق های ایران و اقلیت های ملی- مذهبی و خواهان اتحاد داوطلبانه آن‌ها در چارچوب میهن واحد و بر پایه حفظ تمامیت ارضی ایران است. بر این اساس، حزب توده ایران، طرفدار سرسخت تامین حق کامل خلق های ایران در تعیین سرنوشت خویش ... است" (اسناد چهارمین کنگره حزب توده ایران، صفحه ۵۶).

در برنامه مصوب "کنگره پنجم حزب" در مهر ماه ۱۳۸۲ نیز در بخش مسئله ملی، "برابری کامل حقوق کلیه خلق های ایران" مورد تاکید دو باره قرار گرفته است.

مبارزه برای الغای ستم ملی و تامین حقوق خلق های ساکن ایران در چارچوب یک ایران واحد و دمکراتیک، سیاست اصولی حزب ما بوده، هست، و خواهد بود.



حیدر بابا سلام

حیدر بابا ایلدیریملار شاخانداندا

سللر سولار شاقیلدایب آخانداندا

قیزلار اونا صف باغلاب باخانداندا

سلام اولسون شوکتوزه انلیزه

منیم ده بیر آدیم گلسون دیلوزه

بمانند... جای تأسف عمیق است که در میهن این شاعر پرآوازه یاد بودش درشان او برپا نمیشود در حالی که در خارج از کشور کتابهای زیادی درباره این انسان والاتبار نگاشته شده و میشود و در اکثر ماشین های شهری و برون شهری نوار «سلام به حیدربابا» مسافری را به میهن شهریار می بر دو آنها سفری خوش و مطبوع می گذرانند.

درباره شخص شهریار و اشعارش کتابهای زیادی در کشور و فرا سوی آن نوشته شده. در جمهوریهای ترک زبان قفقاز و آسیای میانه در ترکیه در جمهوری قبرس و غیره شهریار تجلیل می شود. اشعارش مورد تحلیل علمی و ادبی قرار می گیرد.

در این روزها ۱۰۵مین سالروز تولد و ۲۳ سال وفات استاد بزرگ زبان و ادب فارسی، فرهنگ و زبان آذری سید محمد حسین بهجت تبریزی شهریار شیرین سخن در مراکز ادبی و فرهنگی طی مراسمی یاد گردید. روزی که به پاس قدردانی از تلاش و خلق اشعار ماندگار در ساخت مقدس کلام و قلم کشور عزیزمان بنام «روز ملی شعر و ادب» نامگذاری گردیده است. شهریار شیوه منحصر به خود و مخصوص در سرودن شعر مضمون فلسفی آن دارد که او را از دیگر صاحبان قلم و شعر و ادب متمایز می نماید.

یک اکسکورس (بازنگری) تاریخی به تحول زبان و ادب فارس و فرهنگ و زبان آذری نشانگر آن است که شهریار در این عرصه مقام و جایگاه منحصر بخود و بخصوص دارد. اشعار سروده شده به زبانهای فارسی و آذری این شاعر بزرگ نشانگر

بمناسبت ۱۰۵ مین سالروز تولد و ۲۳ مین سال وفات سخنرانی نامی میهنمان سید محمد حسین بهجت تبریزی شهریار شیرین سخن.

چند روز قبل بمناسبت ۱۰۵مین سالروز تولد شاعر شهیر فارس زبان و ترکی زبان ایران شهریار بزرگوار کنفرانس بین المللی انستیتوی شرقشناسی آکادمی ملی علوم آذربایجان تشکیل گردید که در آن دانشمندان، شرقشناسان، ایرانشناسان، زبانشناسان و فرهیختگان علم و ادب شرکت داشتند. چند نفر از استادان ایرانی هم در این کنفرانس شرکت کرده، درباره زندگی پرماجرا و افتخار آفرین شاعر فارس زبان و ترکی زبان آذری سخن گفتند. عاشقان شعر شهریار با حرارت و محبت درباره ابعاد مختلف منظومه شهریار سخن گفتند. انستیتوی شرقشناسی آکادمی ملی علوم آذربایجان مجموعه ای هم بدین مناسبت به چاپ رسانیده، به عظمت و نبوغ این شاعر ملل خاورمیانه حصر نموده است.

این روز «روز شعر و ادب» در زادگاه شاعر بزرگوار در تبریز در سالن نسبتاً کوچک «اقبال آذر» که امکان جابجائی دوستان شعر شهریار را نداشت برپا گردید. در یکی از روزنامه های تبریز آقای طاهرخیری مقاله ای تحت عنوان نقدی بر بزرگ داشت استاد شهریار - مسامحه تاکی؟ منتشر کرده که در آن از جمله چنین مینویسد: تقویم را بهم زدند و سنت شکنی، تاپکروز زودتر به استقبال روز «شعر و ادب» بروند برای چه؟ کسی نمیداند سالن اقبال آذر مجتمع آنقدر کوچک بود که حرمت ها بشکنند و بعضی ها تحقیر شوند و برخی سرپا

حوادث تلخ و شیرین دوران کودکی خود را مانند پرده سینما و یا تابلوی دور نمائی به هموطنان خود عرضه داشته. شاعر و سخنسرای نامی ایران و آذربایجان در مقدمه ای که برای اولین چاپ حیدر بابا نوشته چنین می گوید: «در آثار خود کم و بیش از موطن خود یاد کرده هرگز قانع نشدم که در ذائقه محلی ها خاصه در کام همبازیهای دوران بچگی ام شیرین تر نماید. اما بر اثر طول اقامت در تهران با لحنه محلی دهات آذربایجان خاصه با لطایف و تعبیرات آن تقریباً بیگانه شده بودم، حتی خاطره های کودکی ام بصورت تابلوهای کم رنگ و نا مفهومی در آمده بود. از وقتی که مرحوم مادرم به تهران آمد به تأثیر نفوذ سحرآمیز مادر و باز گوئیهای گذشته ها و قصه های دلکش دوران کودکی کم کم مردگان ذهنی من جان گرفته و تابلوهای گذشته ما دوباره رنگ آمیزی و نمایان شدند.» شهریار مادرش را می پرستید که در شعر معروفش بنام مرگ مادر احساس میشود. در اینجا قطعه مرگ مادر را که تکان دهنده است می آوریم:

او نمرده است که من زنده ام هنوز
 او زنده است در غم و شعر و خیال من
 میراث شاعرانه من هرچه است از اوست
 کانون مهربان مگر میشود خموش
 آن شیرزن نمیرد، او شهریار زاد
 هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق
 او با ترانه های محلی که میسرود
 با قصه های دلکش و زیبا که یاد داشت
 از عهدگاهواره که بندش کشید و بست
 اعصاب من به ساز و نوا کوک کرده بود
 او شعر و نغمه دردل و جانم به خنده کاشت
 و آنکه به اشک های خود آن کشته آب داد
 لرزید و برق زد به من آن اهتزاز روح
 و ر اهتزاز روح گرفتم هوای ناز
 تا ساختم برای خود از عشق عالمی
 انتشار این شعر ارزنده با استقبال شایان هم میهنان
 همراه بود که مورد قبول عامه واقع شد و چندین بار
 در شهرهای کشور تجدید چاپ شد. این شعر گیرنده
 و جذاب از هتل های لوکس زادگاهش آذربایجان –
 گرفته تا قهوهخانه های محقر دهات دهان به دهان و
 سینه به سینه طی الارضی کرده از خانه های اعیان
 تبریز و منازل محقر دهاتیان طنین انداز بود.
 در مقدمه چاپ اول حیدر بابا آقای مهدی روشن
 ضمیر معاونت وقت فرهنگ آذربایجان چنان می

تبحر و چیرگی این انسان والاتبار و عاشق به سرودن شعر در زبانهای فارسی و ترکی آذری می باشد. اشعار و دیوان فارسی شهریار از نظر محتوی و قالب های شعری سروده شده به اتفاق نظر اساتید و استادان زبان و ادب فارسی با شعرای نامی و سخن سرایان شهیر ایران مانند حافظ شیرازی برابری می کند و این آثار تا ابد در تاریخ ادبیات ایران زمین، تاریخ و ادبیات فارسی ماندگار خواهد بود. امروز به یقین میتوان گفت که در چند صدسال اخیر دیوانی پر مغز و مسلط بر دقایق باریک عرفانی و مضامین اجتماعی سروده نشده است.

شهریار به زبان مادری خود نیز آثار جاودانی خلق کرده که شاید پر بارترین وجه ادبی این سخنسرای نامی در زبان و ادبیات ترکی فولکلور غنی آذری می باشد. یکی از آثار بسیار زیبای شهریار منظومه «سلام به حیدر بابا (حیدر بابایا سلام) می باشد. کسانی که منظومه دلچسب و شور انگیز سلام به حیدر بابای شهریار که به زبان آذری سروده شده، خوانده اند می دانند که در زبان آذری کمتر اثری به شیرینی و شیوایی آن آفریده شده است. این منظومه یکی از شاهکارهای جاویدان شاعر نامی ایران زمین استاد سید محمد حسین شهریار می باشد. حیدر بابا نام کوهی است در قریه زادگاه شهریار بزرگ و شاعر، آن را به عنوان کدخدای معمر و جهان دیده ای در نظر گرفته به مانند شخص جهان خورده و پیری که از گذشته ها خبر دارد طرف صحبت خود قرار داده و با آن سالخورده مرد به درد دل گفتن و سخن راندن پرداخته است. آنچنان سخنان شیرینی که از هر کلمه آن شهاد می تراود و از هر لفظ آن شکر می بارد. همه جا رویا انگیز است و همه جا دلفریب، همه جا نقاشی و پرده سازی است. شایع است که شهریار منظومه ترکی سلام به حیدر بابا (حیدر بابایا سلام) را بنابه خواهش مادرش در تهران ساخته. گفته میشود مادرش که مورد پرستش شاعر بود روزی به او میگوید: این همه شعر بزبان فارسی سرودی که من نمی فهمم، حیف است که بزبان مادری ات زبانی که من کلمه – کلمه به دهانت گذاشتم و از زیر و بم آن بخوبی آگاهم اثری بجای نگذاری. شهریار اولین منظومه سلام به حیدر بابا را در تهران سروده که در آن دوران کودکی خود، اوضاع و احوال پنجاه سال قبل زادگاه خود سر زمینی که در آن چشم به جهان گشود، سخن گفته،

ایران و کشورهای فرا سوی آن قرار گرفت. آنهمه غوغا کرد و نام زادگاه شهریار را نامی ساخت. که خویشان و دوستان این شاعر بزرگوار وابستگان آن به سراغش آمده اورا به موطنش دعوت می نمایند و از شاعر عزیزشان می خواهند که بعد از سالیان دراز که آن دیر آباد با شکوه و پر برکت را ترک گفته، بیاید و وضع فعلی آن را از نزدیک به بیند، با شخصیت های اولین اثرش "سلام به حیدر بابا" دیدار تازه کرده و اثر جدیدی مبنی بر بیان عینیت و وضع موجود مبنی بر ذکر واقعیت زاد و بوم خویش ارائه نماید. شهریار دعوت آنان را پذیرفته و بعد از چهل سال جدائی به زادگاهش می رود. او در این سفر همه چیز را وارونه می یابد، از زیباییهای گذشته اثری نمی یابد و آنچه در دوران کودکی و عفتوان جوانی او خوشرنگ و زیبا بود امروز طور دیگری جلوه می کند. بدین معنی که خوشبختی ها جای خود را به بدبختی ها داده و امروز جز بیچارگی چیزی در جای نمانده است که دل حساس شاعر را سخت به درد می آورد و اورا به نوحه سرائی وادار نموده است که نام آن را حیدر بابای دوم میتوان گذاشت. در این سفر شاعر به محض دیدن کوه بلند آوازه حیدر بابا به سخن در آمده و فریاد بر می آورد:

حیدر بابا چکدون منی گتیردون (حیدر بابا کشانده مرا آوردی)

یوردوموزا یووامیزا یتیردون (به لانه و کاشانه مان رساندی)

یوسیفووی اوشاق ایکن ایتیردین (یوسف خود را در کودکی گم کردی)

قوجا یعقوب ایتیمیش سرده تاپیبیان (یعقوب پیرم اگر گمشده بود هم یافته ای)

قوالیون قورد آغزیندان قاپیبیان (گرگ را دنبال کرده و مرا از دهانش قاپیدی)

این شعار منظومه دوم حیدر بابا را به وجود آورد شاعر بلند آوازه شهریار در تاریخ ادبیات ایران و آذربایجان تا ابد ماندگار خواهد بود.

روحش شاد.

پروفسور دکتر بهروز شکوری

نوسند. "آقای شهر یار بنظر من فرقی که بین ما مردم معمولی و شما هنرمندان هست این است که در سینمای زندگی آنچه را که ما می بینیم و یا نمی بینیم شما میتوانید بگوئید و شرح دهید و آنچه را که ما به یک آن، حس می کنیم شما آن را سردی و جاویدان می سازید. راستی اگر "هوگوها" و «رنارها» نبودند امروز بعد از صدها سال «ژولی ها» و «هلن» ها خود نمائی نمیکردند و اگر شهریار نبود کسی حیدربابا را نمی شناخت. مثل این است که با عنیک نازک بین شما هنرمندان دنیا را بهتر و روشن تر می بینیم و همه چیز و همه کس را تحمل کردنی و دوست داشتنی می یابیم.

در قطعه خیال انگیز حیدر بابا اثری از خود خواهی نیست هرچه هست ملوس و محبوب است ولو درد و اندوه باشد. حیدر بابا آئینه تمام نمای زندگی است اغلب گریه است و گاهی خنده اما همانطوری که مولیر در بعضی کمدی هایش از کنار تراژدی رد شده است، خنده حیدر بابا نیز همیشه اشک آلود است. علت این امر نه برای این است که ما بروزگار گذشته و نعمت از دست رفته با دیده حسرت می نگریم بلکه به علت این است که خود شاعر طبعاً و اساساً ملول و محزون است و خواننده این چهره غم زده وی را همیشه و همه جا می بیند. راستی چه هنری بالاتر از اینکه شعر حیدر بابا را هم عوام می فهمد و هم خواص می پسندد. اگر "لامارتین" را شاعر دریاچه ها، «نیما» را سراینده افسانه ها و "حجازی" را نگارنده باباکوهی بنامیم. شهریار را باید شاعر حیدر بابا نامید و به جرئت می شود گفت که نه "توماس هود" و نه "شاتوبریان" و نه "هوگو" و نه حتی "لامارتین" چه در کمیت و چه در کیفیت هیچکدام به پای حیدر بابا نمی رسند.

کسانی که اثر دلچسپ و شور انگیز "سلام به حیدر بابا"ی شهریار را که به زبان آذری سروده شده خوانده اند می دانند که در زبان آذری کمتر اثری به شیرینی و شیوائی آن آفریده شده است.

منظومه حیدر بابا یکی از شاهکارهای جاویدان شاعر والاتبار استاد محمد حسین شهریار سخن سرای نامی آذربایجان است. حیدر بابای دوم مربوط به رفتن شاعر به زادگاه و زیستگاه آباء و اجدادش انگیزه به وجود آمدن این اثر شده است. چندی پس از انتشار حیدر بابای اول که شدیداً مورد استقبال مردم

فرانسه پشتیبان ارمنستان

این جنگ بیست درصد اراضی خاک آذربایجان به اشغال ارمنیها در آمد. این جنگ به یک جنگ فرسایشی تبدیل شد. بیست سال است که مردم آذربایجان برای بازگرداندن اراضی اشغال شده خود مبارزه می کنند. شورای امنیت سازمان ملل متحد چهار بار با تصویب قطعنامه از ارمنستان خواسته است تا اراضی اشغالی آذربایجان را تخلیه کند. در عین حال آمریکا، روسیه و فرانسه مأموریت پیدا کردند تحت نام گروه مینسک مناقشه قره باغ را از طریق صلح آمیز، حل و فصل نمایند. اما گروه مینسک تاکنون نتوانسته و یا بعبارت دقیقتر نخواست است این مناقشه را بشکل عادلانه و بر مبنای قوانین بین المللی یعنی احیای تمامیت ارضی آذربایجان حل نمایند. فرانسه بعنوان یکی از اعضای گروه مینسک می کوشد ادعای واهی ارمنستان را به کرسی به نشاند.

دولت ترکیه موضع گیری فرانسه را شدیداً محکوم نمود. و روابط خود را با فرانسه به حالت تعلیق در آورد. ادعای نسل کشی ارمنه بهانه ای بیش نیست که کشورهایمانند فرانسه به آن میدان میدهند. واقعیت آن است که کشورهای اروپای غربی و آمریکا مایل هستند که کشور ارمنستان نقشی مانند اسرائیل را در منطقه ایفا کند. اسرائیل با حمایت کشورهای غربی، بیش از چهار سال است که با اشغال اراضی فلسطین، این منطقه را به کانون تشنج تبدیل کرده است. ثمره این کار کشتار و آوارگی میلیون ها انسان بیگناه و واریز شدن میلیاردها دلار به جیب کمپانی های اسلحه سازی و همچنین باعث عقب ماندگی کشورهای منطقه خاورمیانه بوده است. جالب توجه است که اگر دیروز کشور های اروپای غربی و آمریکا به بهانه کشتار یهودیان به دست نازی های آلمانی به صهیونیسم جهانی این امکان را دادند تا منطقه خاورمیانه را به کانون جنگ و خونریزی تبدیل کند. امروز تحت عنوان نسل کشی ارمنه می خواهند این امکان را برای شوینیست های ارمنی فراهم کنند. با این تفاوت که روسیه نیز در ارمنستان دارای منافع ویژه ای می باشد. روسیه بعنوان کشوری اروپایی و آسیایی در ارمنستان با داشتن پایگاه نظامی حضور قدرتمند دارد. و سعی میکند این کشور را به عنوان جبهه مقدم خود در منطقه قفقاز حفظ کند. به همین دلیل سیاست دولت روسیه حمایت بی دریغ از ارمنستان می باشد.

در چنین شرایطی دولت ترکیه خود را در کنار آذربایجان و اعراب فلسطینی می بیند. و چنین نیز باید باشد.

مجلس فرانسه قانونی را تصویب کرد که بر مبنای آن هر کسی که نسل کشی ارمنه را انکار کند، بطور اتوماتیک به یک سال زندان و یا به پرداخت چهل و پنج هزار یورو محکوم خواهد شد. چرا مجلس فرانسه چنین قانونی را تصویب وحق اظهار نظر در این مورد را ممنوع کرده است؟ هدف متوجه ترکیه است. زیرا ارمنه مدعی اند که در جنگ جهانی اول، دولت عثمانی بیش از یک میلیون ارمنی را قتل عام کرده است. و دولت ترکیه بعنوان وارث امپراطوری عثمانی باید این نسل کشی را بپذیرد و غرامت بپردازد.

ترکیه این ادعا را رد می کند. ترکیه پیشنهاد کرده است تا تاریخدانان و محققین این موضوع را بررسی کنند تا واقعیت برای همگان روشن گردد. اما برخی از کشورهای اروپایی این پیشنهاد را نادیده می گیرند. و مسئله نسل کشی ارمنه را در مجالس خود مورد مذاکره قرار می دهند.

اخیراً مجلس فرانسه قانون شدیدی در این مورد به تصویب رسانده است. طبق این قانون هر کس که با نسل کشی ارمنه مخالفت کند، مجرم شناخته می شود و مجازات خواهد شد.

اما واقعیت تاریخی ادعای ارمنه و حامیان آنها را رد می کند. حقیقت آنست که در جنگ جهانی اول ارتش روسیه تزاری در جبهه قفقاز به ترکیه حمله کرد. بدین طریق دولت عثمانی مجبور شد در جبهه جدیدی با روسیه بجنگد. روسیه با دولت انگلیس به توافق رسیده بودند که پس از شکست دولت عثمانی، تنگه بسفر و تنگه داردانیل ضمیمه روسیه شود. بدین ترتیب ارتش روسیه وارد اراضی ترکیه گردید. ارمنیهای مقیم ترکیه با ارتش روسیه علیه ارتش ترکیه جنگیدند. در این جنگ تجاوزگرانه هزاران اتباع ترکیه کشته و صدها شهر و روستا ویران گردید. پس از انقلاب اکتبر، دولت انقلابی روسیه نیروهای خود را از ترکیه بیرون برد و تمامیت ارضی این کشور را محترم شمرد. به همین دلیل در طول سالهای حکومت اتحاد شوروی مسئله نسل کشی ارمنه هرگز مطرح نشد.

پس از فروپاشی اتحاد شوروی، ارمنستان مانند دیگر جمهوریهای اتحاد شوروی مستقل شد. ارمنستان تازه به استقلال رسیده، علیه ترکیه ادعای ارضی کرد. و همزمان مسئله نسل کشی ارمنه را مطرح نمود. ارمنستان در عین حال جنگ خونینی در منطقه قره باغ علیه آذربایجان تازه به استقلال رسیده شروع کرد. در

پیش شرط استقرار دمکراسی واقعی در ایران، احقاق ملل و اقوام تشکیل دهنده کشور می باشد.

عارف صفا

الله یم

الله یم، من ندن بئله یارانندیم؟
سنین حضوروندا قول تک دایاندیم
توتدوم حقیقتین اتکلریندن،
ذوق آلدیم گولوندن، چیچکلریندن
عدالت هر زمان همدیم اولدو،
او، منیم یئلکنلی بیر گمیم اولدو.
اوزدوم خیالیمیم دنیزینده من،
هر یرده حقیقت توتدو الیمدن.
اسسه ده باشیمین اوسته سرت کولک،
سالما دیم باشیمی آشاغی قول تک
عمروم گنجه – گوندوز دویوشده اولدو،
حقسیزیغا قارشی یوروشده اولدو
هردن آز ادلیغین اوزونو گوردوم،
شیرین نغمه سینی، سوزونو گوردوم.
اوره بیم فرحله، سنوینجله دولدو،
آز ادلیق منیم ایچون بیر بایرام اولدو.
نه دنسه تز اونو آلدین الیمدن،
دوشدوم سورگونلره، زندانلارا من.
آز ادلیق دئیریک بیز گنجه – گوندوز،
حسرتله، نیسگیلله کنچیر عمروموز.
سن اوزون دوغروسون سویله الله یم،
سویله، آچیق سویله، نه دیر گناهیم؟

عارف صفا

بیر وطن پرور

حبس اندیلرکن

قیزی دنمیشدیر:

«منیم آتام

قهرماندیر»

منیم آتام قهرماندیر
صاف اوره کلی بیر انساندیر.
آز ادلیقدیر هر بیر سوزو،
آز ادلیغین یوللارینا
دیکیلیدیر قارا گوزو.
اونو گلیب آپاردیلار،
اوره بیمی قوپاردیلار.
منه باخیب گولومسه دی،
قورخما قیزیم، قورخما دندی:
اوره بیمی دیدسه ده غم،
من بو یولو گنتمه یجم.
آز ادلیقدیر منیم آندیم،
وطنیمین دردلرینه
من بیگانه قالانمادیم.
بو گونلرین عمرو قیزیم
آز اولاجاق،
ینه ایلار کئچه جکدیر
یاز اولاجاق.
ینه سنین ساچلارینی
اوخشایاراق ائوپه جیم
سیلینه جک اوره یمدن
غصه، الم
ایکی ایلیک زندان نه دیر،
منیم ایچون بو ناغیلدیر،
افسانه دیر.
عزیز بالام بونوسن بیل
منیم جانیم ات دئیلدیر
دمیردندیر.

Azərbaycan qəzeti

5- ci dövr 86 - ci nömrə.Yanvar 2012

Baş redaktor. Əmirəli Lahrudi

www.adf-mk.org

باش رداكتور: امير علي لاهرودي

قرئت تحريريه هئيتي طرفيندن نشر اولونور

قرئتین آرتیریب، یاییمی آزاددیر

E- mail info @ adf – mk Org